روزنامه شرق

عکس: رئوفه رستمی- شرق

گفت‌وگو با حسن ذوالفقاری درباره غلط‌نویسی رایج در اینترنت و شبکه‌های اجتماعی

سهل‌انگاری غیرطبیعی در نوشتار فضای مجازی

نگار حسینی

مدتی است شکلی از نوشتن خارج از معیار به‌ویژه در فضای مجازی باب شده است. بخشی از این چارچوب‌شکنی و خروج از استانداردهای نوشتن به نادانستن بازمی‌گردد و البته بخش قابل‌توجهی از این شکل‌نوشتن در افراد دانا و فرهیخته دیده می‌شود. نخستین پرسشی که در چنین فضایی به ذهن می‌رسد، آن است که چرا به‌تازگی این همه غلط‌نویسی دیده می‌شود؟ و بعد اینکه شکستن چارچوب‌های نوشتار فارسی، چه پیامدهایی خواهد داشت. با «حسن ذوالفقاری»، مدرس زبان و ادبیات فارسی، دراین‌باره گفت‌وگو کرده‌ایم:

به نظر می‌رسد شکلی از ناهنجاری در فضای مجازی در نوشتار فارسی دیده می‌شود. برای‌مثال «ه بدل از کسره» یکی از واضح‌ترین اشکال آن است یا اینکه افراد به جای غین از قاف استفاده می‌کنند یا برعکس. آیا این اتفاق در فضایی مانند شبکه‌های مجازی معمول و طبیعی است یا اتفاقی غیرمعمول و ناهنجار است؟

ابتدا باید دید اصلا زبان را می‌توان تغییر داد؟ زبان یک موجود زنده و پویاست. این به آن معناست که ما نباید جوری صحبت کنیم که ۲۰ سال پیش صحبت می‌کردیم یا به همان زبانی بنویسیم که سعدی می‌نوشت. زبان مانند یک موجود زنده حرکت روبه‌جلو دارد، گاه پوست می‌اندازد، البته در دوره‌هایی این تغییرات کمتر است و در زمان‌هایی بیشتر؛ برای مثال انقلاب مشروطه تحولات زیادی را در زبان به وجود آورد. امروزه پدیده‌ای به اسم رسانه زبان را دچار تغییرات فراوان کرده است. اکنون باید پرسید چه رخدادی در دوره مشروطه موجب تغییر چشمگیر زبان نوشتاری شد؟ تغییری که در ۸۰۰ سال در زبان جامعه ایرانی اتفاق نیفتاده بود؟ پاسخ، ورود روزنامه به مجموعه فرهنگ ایرانی است. ورود روزنامه به زندگی مردم موجب شد زبان آنان تغییر کند. پیش از آن، مردم به زبان قاجاری می‌نوشتند. انتشار روزنامه موجب شد این زبان نوشتاری آرام‌آرام صیقل بخورد و ساده‌تر شود و درنهایت به زبان مردم نزدیک شود. دلیل آن هم این بود که روزنامه برای مردم نوشته می‌شد. اساسا دلیل شکل‌گیری انقلاب مشروطه آن بود که مردم به صحنه بیایند. این بود که روزنامه به‌عنوان زبان مردم هم به صحنه آمد. از آن دوره تا امروز می‌بینیم در همه گونه‌های نثر به یک سادگی رسیده‌ایم الا نثر اداری که اندکی عقب‌مانده و مغلق و قاجاری است.

این تغییر در زبان در آن مقطع اتفاق افتاد. امروزه نیز در فضاهای مجازی تغییراتی در حال صورت‌گرفتن است. اما باید پرسید این تغییر تا چه اندازه همسو با تغییر در ذات زبان است. آیا این تغییر در چارچوب‌های تعریف‌شده است؟ باید بگویم ما به تغییری در زبان اعتقاد داریم که چارچوب‌های کلی زبان را بر هم نریزد؛ همچنان که در همه حوادثی که در طول سال‌ها بر زبان فارسی رفته، حرکت آرام و پیوسته زبان را دچار چالش جدی نکرده و هیچ‌گاه ندیده‌ایم شکل زبان تغییر کند. در برخی از کشورها که خط تغییر یافته، همه‌چیز تغییر کرده است اما در زبان فارسی این اتفاق نیفتاده و نباید بیفتد. از اینجا نتیجه می‌گیریم هر نوع اتفاق غیرمنتظره‌ای که چهره خط فارسی را بر هم بزند و خواندن آن را دشوار کند، به هر قیمتی و به هر دلیلی نمی‌تواند رخ دهد. البته دلایل قابل بحث است، اما این موجب نمی‌شود برای هر کاری چهره خط و چارچوب‌ها و اصول آن را برهم بزنیم. باید توجه داشت درهم‌ریختن چارچوب‌ها نقض غرض می‌کند یعنی پویایی را از بین می‌برد. در بسیاری از کشورها تلاش کردند چنین کاری انجام دهند اما موفقیت‌آمیز نبود و اگر هم صورت گرفت، انقطاع در خط به وجود آمد. گاه این پرسش مطرح می‌شود مگر زبان‌های دیگر چه کرده‌اند و چرا نمی‌شود چارچوب‌ها را برهم زد؟ اتفاقا اگر دقت کنید، می‌بینید میزان ناهمخوانی شکل نوشتاری کلمات در بسیاری زبان‌ها از فارسی بیشتر است. در زبان انگلیسی برخی کلمات را به شکل‌های مختلف می‌نویسند. این موضوع حتی از یک منطقه انگلیسی زبان تا منطقه دیگر متفاوت است. در آلمانی و فرانسه نیز چنین موردهایی به چشم می‌خورد. اگر بخواهیم یک کار مقایسه‌ای انجام دهیم، ناهمخوانی‌های زبان و نوشتار در فارسی به‌مراتب کمتر است. زبان فارسی، به واسطه پشتوانه‌های تاریخی‌ای که داشته، توانسته این همه غنی و قوی باشد. ارزش‌های زبان فارسی باید به نسل جدید شناسانده شود. نسل جدید باید بدانند مثلا زبان فارسی به لحاظ آوایی و غنای واژگانی، چقدر نسبت به دیگر زبان‌ها پیشرفته‌تر است. این را البته به‌طور معمول کسی می‌فهمد که زبان مادری‌اش فارسی نیست و فارسی یاد می‌گیرد. با توجه به نکته‌های گفته‌شده، معلوم است این اتفاقات که اکنون در فضاهای مجازی درحال رخ‌دادن است، غیرطبیعی و غیرمنطقی است و باید نظارت و کنترل شود.

به اعتقاد شما در چه مواردی از این چارچوب‌ها خروج شده و چرا در فضای مجازی و سایبری، این قبیل چارچوب‌شکنی‌ها بیشتر دیده می‌شود؟

در فضاهای مجازی رسمی‌تر این خروج از چارچوب کمتر دیده می‌شود اما در وبلاگ‌های شخصی این موارد بیشتر است. البته فضایی مانند وبلاگ حریم خصوصی آدم‌هاست و کسی حق دخالت در آن را ندارد اما باید در نظر داشت، درست است که این موضوع یک امر خصوصی است اما درهرحال هویت فردی رابطه‌ای با هویت جمعی نیز دارد؛ همین‌جاست که مشکل ایجاد می‌شود. تا زمانی که مطلب منتشر نشده است و فقط یک‌جور دفترچه یادداشت شخصی است، به نویسنده تعلق دارد اما هنگامی که وارد فضای مجازی می‌شود و دیگران هم آن را می‌بینند، دیگر نمی‌شود گفت خصوصی است. به اعتقاد من مشکل اصلی بیشتر ناشی از تولید محتوا توسط افرادی است که سواد زبانی کمی دارند و اثرات منفی ناشی از بدنویسی از خود برجای می‌گذارند. کوتاه‌نویسی در دوره‌ای که استفاده از گوشی‌های تلفن همراه این‌همه ساده نبود، توجیه داشت اما امروز با توسعه امکانات گوشی و صفحات لمسی، دست ما باز است، امکان نگارش ساده وجود دارد. امروزه حتی می‌شود با قلم نوشت. البته کوتاه‌نویسی بد نیست اگر با هدف صرفه‌جویی در زبان انجام شود، اما این کوتاه‌نویسی به معنی ایجاز زبانی نیست. ایجاز یک اصل ادبی است منتها ایجازی که گلستان سعدی با آن نوشته شده، نه اینکه عبارت آن‌قدر کوتاه شود که فقط یک رمز به نظر برسد.

به نظر می‌رسد امروز انتقال پیام از شیوه نوشتار مهم‌تر شده است. این‌طور نیست؟

برخی به قصد صرفه‌جویی در زمان، کلمات را کوتاه به کار می‌برند که این شکل نوشتار کم‌کم رسمیت می‌یابد و خط از بین می‌رود. این غلط‌نویسی تا آنجاست که افرادی با ما تماس می‌گیرند و از شیوه نگارش درست گله می‌کنند. یعنی شکل غلط، درست انگاشته می‌شود. جز خط، حتی ساختارهای صرفی و نحوی زبان نیز در نگارش تازه دچار تغییر شده است. به نظر می‌رسد این روند، از زبان گفتاری غیرمعیار و نادرست تبعیت می‌کند. آمیختن الفبای انگلیسی و خط فارسی با هم در متن، یکی دیگر از اشکالاتی است که این‌روزها به چشم می‌خورد. مانند Cنما به جای سینما. گاه به قصد طنز این‌گونه نوشته می‌شود.

البته طنازی در نوشتار ناشی از آگاهی و تسلط بر زبان است. این‌طور نیست؟

بله، درست است. کسی می‌تواند طنازی کند که بر ساخت‌های زبان آگاه است و به‌عمد و برای مقاصد خاص چنین می‌کند.

به تغییری در زبان اعتقاد داریم که چارچوب‌های کلی زبان را بر هم نریزد؛ همچنان که در همه حوادثی که در طول سال‌ها بر زبان فارسی رفته، حرکت آرام و پیوسته زبان را دچار چالش جدی نکرده و هیچ‌گاه ندیده‌ایم شکل زبان تغییر کند. در برخی از کشورها که خط تغییر یافته، همه‌چیز تغییر کرده است اما در زبان فارسی این اتفاق نیفتاده و نباید بیفتد

این کوتاه‌نویسی و موجزنویسی‌ای که در پیامک‌ها وجود دارد، چه آسیب‌های جدی بر زبان وارد می‌کند؟

کاربرد کلمات بیگانه مانند اوکی و مرسی که البته رایج است، خود آسیب‌زاست؛ حال دیده می‌شود می‌نویسند اوک. یعنی آسیب مضاعف؛ چیزی که بسیار رایج است، انگار به زبان زرگری صحبت می‌کنند. گاه این شکستگی زیاد می‌شود، برای مثال می‌نویسند: «خیلی ترافیکه صبحی». در زبان گفتار هم این‌گونه صحبت نمی‌کنیم. حالا تصور کنید این زبان گفتار نامتعارف در نوشتار و پیامک رسمیت یابد که یافته، در آینده چه خواهد شد. عیب و ایراد مهمی که زیاد در زبان به چشم می‌خورد، ساخت زبان تصنعی با مصدرهای جعلی است. مصدرهایی مانند زنگیدم؛ بزنگ؛ هنگیدم... در این هنگیدم سه، چهار مشکل وجود دارد. اینکه با استفاده از هنگ انگلیسی، مصدر جعلی ساخته‌اند و ارکان جمله هم جابه‌جا شده است. به نظر می‌رسد امروزه واژه‌ها هرجور که به ذهن می‌آیند، همان‌جور نوشته می‌شوند. واقعیت این است که اگر در گفتار ترتیب رعایت نمی‌شود، فرصت نداریم اما در نوشتار این قابل توجیه نیست. ما نمی‌گوییم زبان گفتار ایراد دارد. این زبان برای گفتار است اما وقتی قرار شد نوشتاری شود، باید به زبان نوشتار نزدیک باشد. بدتر از همه، نام‌گذاری‌هایی که در فضاهای مجازی دیده می‌شود و رسمیت یافته است؛ مثل خبرگزاری خبرآنلاین. درحالی‌که قانون به‌کارنگرفتن اسامی بیگانه مصوب مجلس است و به‌تازگی نیز دوباره به وزارت ارشاد ارجاع داده شده است. رسم‌الخط هم که به شکل واضح به‌طورکلی رعایت نمی‌شود.

جایی اشاره کردید این مدل نگارش از ناآگاهی و بی‌سوادی ناشی می‌شود، اما تعداد قابل‌توجهی از افراد آگاه‌اند و برای مثال خواب را خاب می‌نویسند یا خواندن را خاندن می‌نویسند... .

این یک اصل زبانی است که خط باید از گفتار تبعیت کند یعنی نوشتار تابع گفتار است؛ ولی ناگزیر آن‌هم به دلایل تاریخی، برخی از کلمات از نظر نوشتار از گفتار عقب می‌مانند. یک روزی ممکن بود واو خواب یا خواهر خوانده شوند، ولی امروز این تفاوت تلفظی از میان رفته است بااین‌حال شکل نوشتار قدیمی همچنان وجود دارد. در این‌جا ممکن است نهادهای رسمی‌ای مانند فرهنگستان زبان فارسی و استادان و صاحب‌نظران به این نتیجه برسند که بهتر است این تفاوت‌ها را کم کنیم و البته کم کرده‌اند. ده‌ها نمونه وجود دارد که شکل قدیم تغییر یافته است. امروزه کبرا و ماجرا را با الف می‌نویسید. اینجا تغییر انجام شده است. در مواردی اندک باقی‌مانده است که اگر مجوزهای فرهنگستان باشد، قابل حل است. در غیراین‌صورت افراد به دلخواه خود نمی‌توانند شکل خط را عوض کنند و این کار اختلال در خط و زبان است.

مجوز فرهنگستان یک سوی ماجراست. گاه استانداردهایی وجود دارد و رعایت نمی‌شود. مقصودم این است که تکلیف معلوم است و به همان تکلیف معلوم هم اعتنایی نمی‌شود.

در موردی که شما به آن اشاره کردید درباره اینکه افراد آگاهانه نوشتار معیار را تغییر می‌دهند، به نظر می‌رسد می‌خواهند ویژگی سبکی مخصوص به خود داشته باشند، مثل برخی نویسندگان معاصر. این سبک‌سازی درست نیست؛ سبک باید در نوع پردازش داستان باشد نه در ایجاد تغییر در خط. به هر قیمتی نباید نوآوری کرد. ناآگاهی با قانون‌گریزی آگاهانه فرق دارد. باید اعتراف کنیم این شکل قانون‌گریزی در جامعه ایرانی وجود دارد؛ یعنی هرکسی می‌خواهد کار خود را بکند و بگوید این روش من است. گاهی دیده می‌شود بعضی نویسندگان کتاب را به ناشر می‌دهند و قید می‌کنند ناشر نباید در رسم‌الخط آنها تغییری ایجاد کند درحالی‌که اکنون رسم‌الخط رسمی وجود دارد که ممکن است دارای اشکالاتی باشد و طبیعی است حتی در قانون اساسی هم ممکن است اشکال پیدا شود. نباید بابت دو اشکال که قانون را کنار بگذارند. یک قانون بد بهتر از بی‌قانونی است. البته در نگارش فارسی قانون داریم و خیلی هم بد نیست. این خروج از شکل معیار، سلیقه است و قانون نیست. لازم است سلیقه‌هایمان را کنار بگذاریم و یک شکل را رعایت کنیم و این شدنی است.

درباره افرادی که نادانسته غلط می‌نویسند، با آموزش می‌توان مشکل را حل کرد. این آموزش از مدرسه شروع می‌شود تا دانشگاه، رسانه‌ها، رادیو و تلویزیون. اما این دومی که کسی با وجود دانستن غلط بنویسد، بحث ارزشی است، یعنی نگرشی است. نگرش فرد را باید تغییر داد. فرهنگ را باید تغییر داد. کسی که این‌جور حرف می‌زند درباره رانندگی هم مشکل دارد. به‌هرحال دیگران هم حقوقی دارند. درست است شما دوست داری به شکلی بنویسی، اما حق چشم من و فرهنگ را ادا کرده‌ای؟ اینجاست که ما مقداری باید روادارتر باشیم و مسائل را با هم قاتی نکنیم. برخی مسائل سیاسی را با یک مسائل فرهنگی قاتی می‌کنند. برای مثال چون فلانی در فلان‌جا هست، کاری به فرهنگستان ندارم. در حالی که ربطی ندارد و فرهنگستان یک نهاد زبانی ملی است ما باید قانون را مبنا قرار دهیم و همه هم در برابر این قانون مسئول و پاسخ‌گو باشند. این به افراد منحصر نیست. این فرهنگ انطباق‌پذیری به سازمان‌ها و نهادها هم برمی‌گردد. اگر افراد از قانون بگریزند قابل‌درک است، اما اگر سازمانی بگوید من کتاب‌های درسی چاپ می‌کنم و کار خودم را می‌کنم، دیگر پذیرفتنی نیست. صداوسیما نمی‌تواند بگوید ما کار خودمان را می‌کنیم. صداوسیما میان مردم و مروج این خط و زبان است و نمی‌تواند با سلیقه خود هر برنامه‌ای بسازد. واقعیت این است که در جامعه ایران نهادها نه خودشان را قبول دارند و نه دیگری را. بخشی از این مشکلات فرهنگی و نگرشی است ولی درمجموع دود آن به چشم زبان و خط و فرهنگ می‌رود.

اما چرا در گذشته این مشکلات نبود یا چرا امروز خیلی بیشتر به چشم می‌خورد؟

برای اینکه در گذشته حجم مواد نوشتاری بسیار اندک بود. امروزه حجم نوشتاری یک سال فقط در فضای مجازی با همه تاریخ نوشتاری ما برابری می‌کند. طبیعی است املای ننوشته غلط ندارد. ولی وقتی نوشتی در آن غلط پیدا می‌شود. این طبیعی است. اما امروزه هوشیاری زبانی ما باید بیشتر باشد. امروزه غلط مانند ویروس پخش می‌شود. یک خبر که معلوم نیست چه پایه و اساسی داشته باشد، ظرف یک ساعت در همه فضاهای مجازی دست‌به‌دست می‌شود. بعد تازه در روزنامه‌ها وارد می‌شود و بعد رسمیت می‌یابد... . ولی در گذشته اگر کسی اشتباهی مرتکب می‌شد نزد خودش باقی می‌ماند. بنابراین مسئولیت ما امروز نسبت به زبان و هوشیاری زبانی، بیشتر است.

چرا در مقابل خط، مسئولانه رفتار نمی‌کنیم؟ آیا همانی است که در رانندگی مسئول نیستیم؟ در رانندگی شما جریمه می‌شوید و گاهی ناچارید رعایت کنید. همیشه این‌جور بوده است که قانون توانسته پایدار شود اما برای خط چه باید کرد؟ می‌شود کسی را جریمه کرد یا چگونه می‌شود افراد را مسئول کرد؟

نهادهای مسئول دولتی در ردیف نخست قرار دارند. مردم هم باید این آگاهی عمومی را داشته باشند. وقتی در صداوسیما و نهادهای رسمی رعایت کنند، عادت‌های زبانی در مردم ایجاد می‌شود. آموزش در روزنامه‌ها، صداوسیما و کتاب‌های درسی غیرمستقیم است. خیلی از روزنامه‌ها و مجلات هست که بسیار شسته‌رفته می‌نویسند. آدم از قلمی که دوست دارد، می‌آموزد.

وقتی شبکه‌های مجازی این‌همه گسترده هستند، هنوز می‌شود روی کارکرد نهادهای رسمی حساب کرد؟

اگر در فضاهای رسمی اتفاقی نیفتد، مجبوریم به فضاهای مردمی و مجازی روی آوریم.

فینگلیش‌نویسی چه تأثیری روی نوشتار فارسی داشته است؟

برخی به این شکل نوشتار عادت دارند و راحت‌تر هستند برخی این را یک‌جور مد می‌دانند، آنها معلوم است که از سنت‌های دیگر هم گریز دارند و بسیاری از سنت‌هایشان را زیر پا می‌گذارند. باید بدانیم مواجهه ما با یک زبان بیگانه باید در یک چارچوب باشد. فینگلیش مایل‌اند مقداری مد است و یک بخشی سهل‌انگاری. من حتی از استادان ادبیات فارسی هم می‌شناسم که برای من فینگلیش می‌نویسند و گلایه می‌کنند چرا من نگاه نمی‌کنم. ادامه این کار خط را تضعیف می‌کند.

پژوهش

تحلیل محتوای پیامک‌ها

بسیاری از ایرانی‌ها، برخلاف ابتدای ورود پیامک تلفن همراه به کشور، تمایل دارند به زبان فارسی پیامک ارسال کنند. بهمن زندی و فاطمه ربانی از دانشگاه پیام نور در تحقیقی که با عنوان «میزان همخوانی زبان پیام کوتاه با فارسی معیار» انجام داده و در فصل‌نامه تحقیقات فرهنگی منتشر کرده‌اند، با تحلیل محتوای هزارو ۷۹۵ پیامک، دریافته‌اند هنوز در زبان فارسی، گونه خاصی با نام گونه پیام کوتاه شکل نگرفته است. در مطالعه آنها مشخص شده است میانگین ۷،۸ جمله در هر پیامک و میانگین ۲۶،۵ واژه در هر پیامک، میانگین‌های مناسبی برای دلالت بر اصطلاح پیامک نیستند. البته تحقیقات آنها قبل از ورود رسانه‌های پیام‌رسان تلفن‌های هوشمند انجام شده و چنین تحقیقی باید در دوران حاضر هم تکرار شود. از تحقیق زندی و ربانی مشخص شده که از کل پیامک‌های مورد مطالعه، ۸۰،۸ درصد پیامک‌ها به صورت نثر و مابقی به صورت نظم بوده است. پیامک‌ها براساس خط نگارش به سه نوع فارسی، انگلیسی و فینگلیش تقسیم شده که ۶۶ درصد آنها فارسی و ۳۳،۸ درصد فینگلیش بوده است. همچنین در ۹۳،۵ درصد این پیامک‌ها، متن از نظر دستوری با زبان معیار مطابقت دارد. ۳۰،۱ درصد پیامک‌ها از نظر معنایی با زبان معیار مطابقت کامل داشته و ۶۹،۱ درصد نیز تا اندازه‌ای از نظر معنایی با زبان معیار منطبق بوده است. از کل پیامک‌های ثبت‌شده در ۱،۸ درصد از کاراکترهای غیرزبانی استفاده شده و فقط ۰،۵ درصد دارای عناصر زبان‌های محلی بوده است. محققان این مطالعه درنهایت نتیجه گرفته‌اند در بررسی میزان همخوانی زبان پیام کوتاه با زبان فارسی، معیار تفاوت‌های سبکی کاملا آشکار است. جوامع گوناگون، بسته به نوع تمایلات، سلیقه‌ها و باورهای گروه‌ها، رفته‌رفته همگنی خود را از دست می‌دهند و گونه‌هایی تا حدی متفاوت با زبان معیار آن جامعه به وجود می‌آید. با توجه به یافته‌های این پژوهش، محققان چنین برداشت کرده‌اند جوانان به دلیل پدیده گسست نسلی در جامعه امروز ایران، در عرصه‌های مختلف ازجمله ارتباط زبانی، تمایل دارند از گونه‌های زبانی متفاوتی استفاده کنند. در این میان، ابزارهای جدید ارتباطی مثل تلفن همراه، بستری را فراهم می‌کند که نسل جوان نشانه‌های تغییریافته‌ای نسبت به زبان معیار را در پیام‌های خود به کار گیرد. درحقیقت، ارسال‌کنندگان پیام کوتاه که در بیشتر اوقات نسبت احساس خود را نیز منتقل کنند، از گونه معیار عدول می‌کنند. نگاهی به پیام‌های ردوبدل‌شده و رایج در تلفن‌های همراه در ایران، نشان می‌دهد کارکردهای ثانویه و اهداف پنهان در استفاده از آن، جایگزین اهداف اولیه و اصلی شده است؛ هدفی که اطلاع‌رسانی صرف است، به تولید گفتمانی جدید با ویژگی‌های خاص منجر شده است. پیامک‌ها بیشتر از اینکه حاصل پیام‌های اطلاع‌رسانی یا اطلاع‌یابی باشند، یعنی آن چیزی که در وهله اول از وسیله ارتباطی مثل تلفن همراه انتظار می‌رود، حاصل پیام‌های طنز، جوک و عبارات احساسی است. درنهایت، آنها نتیجه گرفته‌اند در فضای رایانه‌ای نیز زبان فارسی جایگاه خود را در سیستم‌های متفاوت باز خواهد کرد و فناوری‌های جدید حکم نوعی ابزار و ظرف را دارند که دربرگیرنده ظرفیت‌های موجود هستند. بنابراین برنامه‌ریزان زبان و مهندسان ارتباطات باید زمینه‌های لازم را برای هماهنگی این ظرف‌ها با فرهنگ بومی و زبان ملی فراهم کنند.

نگاه

پیامک‌نویسی، آسیب‌ها و راهکارها

پس از گذشت ۲۰ سال از ورود پیامک به زندگی مردم، اکنون پیامک بر سبک زندگی و شیوه نگارش آنان تأثیرهای مثبت و منفی‌ای گذاشته است. برخی از ویژگی‌های زبانی پیامک‌ها عبارت است از کوتاه‌نویسی، کاربرد اختصارات زبانی، کاربرد کلمات بیگانه، طنز، مکتوب‌کردن و رسمیت‌دادن به زبان مخفی جوانان، رعایت‌نکردن رسم‌الخط فارسی و اثر منفی بر شیوه نگارش فارسی، تنزل سطح زبان و مهارت‌های دستور زبان، اثر سوء بر گونه‌های دیگر زبان، بیان احساسات با شکلک‌ها به جای جمله‌های عاطفی، کاربرد خط لاتین، انگلیسی‌نویسی، محاوره‌نویسی و نادیده‌گرفتن دستور زبان و آیین نگارش.

زبان پیامکی (SMS language)

زبان اختصاری‌ای که در پیامک‌ها، چت‌روم‌ها و شبکه‌های مجازی اجتماعی استفاده می‌شود. بنای این زبان بر کوتاه‌نویسی واژه‌ها با کمترین تعداد نویسه برای رساندن مفاهیم است. اصول نگارش خط و زبان رعایت نمی‌شود؛ واژگان و اعداد درهم می‌آمیزد تا مختصرترین واژگان را برای بیان مقصود بسازد. آنچه لازم است درباره پیامک بدانیم، عبارت است از:

۱. درنظرگرفتن مزایای پیامک و پذیرش آن و انطباق آن با قواعد زبان فارسی به‌جای طرد و رد.

۲. پذیرش پیامک به‌عنوان گونه‌ای از گویش‌های اجتماعی از رده زبان‌های ساختگی.

۳. پیامک می‌تواند عامل تقویت و گسترش زبان باشد.

۴. سابقه آن به تلگراف برمی‌گردد.

۵. شبکه‌هایی مثل وایبر، واتس‌اپ، لاین و استفاده از ابزارهای چت، به رشد زبان پیامکی سرعت بخشیده است.

۶. زبان پیامک‌های جوانان گفتمان خاص خود را دارد و ابزار ابراز وجود آنان است.

۷. پیامک‌ها با دو نوع زبان معیار و غیرمعیار (زبان ساخته جوانان) جریان دارد.

ویژگی‌های خطی، زبانی و بیانی پیامک‌ها

الف. خطی

۱. رعایت‌نکردن رسم‌الخط فارسی: می‌دونستم نمی‌رفتم.

۲. کاربرد خط لاتین (فینگلیش)

۳. انگلیسی‌نویسی: Ur welcome

۴. آمیختن فارسی و انگلیسی: @sa (ساعت)، ۳۰ mer (مرسی) 2A (دعا)،

ب. زبانی

۱. کوتاه‌نویسی: می‌آی شام، کیاییم: چه کسانی می‌آیند، گیرم: نمی‌توانم بیایم، فعلا: خداحافظ

۲. کاربرد اختصارات زبانی: سلام: slm، تو: u، مرسی: merc، ز بزن = زنگ بزن، بتل = تلفن بزن، میستم = دلتنگتم،

واژه‌های زبان پیامکی، از ترکیب حروف اول کلمات به دست می‌آید. مانند:

برمی‌گردم = brb = be right back

قطع ارتباط شبکه = dc = disconnect

آنلاین = on= online

آفلاین = off = offline

خندیدن با صدای بلند = lol= laugh out loudly

ایرادی ندارد = np= no problem

خوش برگشتی =wb= welcome back

سن/جنسیت/محل زندگی = asl= age/ sexuality/ location

متشکرم = ty= thank you

نه زیاد خوب نه زیاد بد =so so

وقت خوبی داشته باشید و شاد باشی = glhf = good luck have fun

خداحافظ = bb = bye bye

روش دیگر استفاده از نام حروف و اعداد است که شبیه یک واژه هستند. مانند موارد زیر:

شما = you = U

برای شما = your = UR

می‌بینمت = c u= see you

ارسال برای همه =s۲a=send too all

دوست اینترنتی =nf = net freind

ایرانسل =ir۳l=irancell

انتظار =wait=w۸

در برخی موارد هم حروف صدادار یک واژه حذف می‌شوند:

ممنون = tnx = thanks

بیا =BA

در برخی موارد هم از ترکیب چند روش استفاده می‌شود:

خواهش می‌کنم = uw = your welcome

۱. کاربرد کلمات بیگانه: اوکی گلم.

۲. جابه‌جایی ارکان جمله: استاد نمره رو زده تو سایت، داری شماره گروه رو!

۳. کامل‌نبودن جمله‌ها:

۴. شکسته‌نویسی: نه دیگه تو گفتی بمونیم کتابخونه درس بخونیم منم دیگه نیومدم.

۵. مصدر جعلی‌سازی: بعدا می‌زنگم، مخم هنگید بس ک فکریدم

ج. بیانی

۱. رسمیت‌دادن به زبان مخفی جوانان: پایی، پایه‌ای: در این کار شرکت می‌کنی.

۲. نزول سطح زبان و مهارت‌های نگارشی و اثر سوء بر گونه‌های دیگر زبان.

۳. بیان احساسات با شکلک به جای جمله‌های عاطفی

۴. بازی‌های زبانی: مر۳۰، 2ba (طوبا)،

۵. طنز و شوخ‌طبعی: حالت خوب بید، شلام، باوشه: باشه

۶. محاوره‌نویسی: خیلی ترافیکه صبحی، ندیدی مگه تو؟ / حالا که درس دارم، وقت خوب پیدا کردم سر میزنم بهش فعلا پیچوندمش گفتم حال روحیم اوکی نیس/ فرمولاش اصن غیرقابل حفظه احتمالا اوپن‌بوکه امتحان ساعت چند بریم یونی؟ (یونی = دانشگاه) /

شماره استادو بعد از ساعت‌ها کاوش به دست آوردم! اگه می‌زنگی بگو میان ترما رو زودتر بذاره انقد لف نده

۷. تفاوت زبان در پیامک‌نویسی متناسب با مخاطب